

دراوق نوری در دلم پرند گام

(دفتر نخست - شعر سبیلی، از مهر ۱۳۴۷ تا اسفند ۱۳۵۷)
(دفتر دوم - شعر کلاسیک، شامل قطعه و غزل)

محمد مهدی توبه‌ای

تقدیم به:

آن کس که چهره‌ای انسانی دارد
و در سپیده‌دمان خواهد آمد...

۱۴۰۱ خورشیدی



سرشناسه: توسلی، محمد مهدی، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآورنده: در افق نوری در دلم پرنده‌ای: (دفتر نخست - شعر سپید،
از مهر ۱۳۴۷ تا اسفند ۱۳۵۷) (دفتر دوم - شعر کلاسیک، شامل ۹ قطعه و غزل) /
مهدی توسلی.

مشخصات نشر: تهران، نشر اطلاع، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

شابک: ۹-۸۳-۶۲۳۱-۶۰۰-۹۷۸

مندرجات: دفتر نخست: شعر سپید، از مهر ۱۳۴۷ تا اسفند ۱۳۵۷. - دفتر دوم:
شعر کلاسیک، شامل ۹ قطعه و غزل.

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۵

موضوع: Persian poetry - 21st century

رده بندی کنگره: PIR8337

رده بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۰۵۱۲۳

نام کتاب: در افق نوری، در دلم پرنده‌ای
پدید آورنده: محمد مهدی توسلی
صفحه آرای: وحید شهبازپور
شابک: ۹۷۸۶۰۶۲۳۱۸۳۹

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰ جلد

چاپ ترنج

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱

قیمت: ۸۹۰۰۰ تومان

نشر اطلاع

خیابان مطهری، نرسیده به شریعتی،

بن بست ارمان، پلاک ۵، واحد ۷

تلفن: ۸۸۴۵۶۲۵۱ فکس: ۸۸۴۲۸۵۷۷

هرگونه استفاده و برداشت از این اثر، با ذکر نام کتاب و ناشر و مؤلف،

آزاد و وقف عموم دانش پژوهان است.



فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---------------------------------------|
| ۷ | سراغاز |
| ۱۱ | دفتر نخست، شعر سپید (از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷) |
| ۱۱ | از بوچی تا فردای دیگر |
| ۱۳ | برزخ |
| ۱۵ | سیاهی‌ها، لکه‌های ننگ |
| ۱۸ | قفس |
| ۱۹ | کبوتران خوشبخت |
| ۲۱ | مصیبت گل شقایق |
| ۲۵ | در من کودکی است |
| ۲۹ | موسای دیگری در راه است، می‌آید |
| ۳۱ | طرح |
| ۳۵ | به شهر دور، به سوی نور |
| ۳۷ | استحاله |
| ۳۸ | عاشقانه |
| ۴۰ | در همیشه |
| ۴۲ | ابرها را به کناری بزنیم |
| ۴۴ | غریو بلند هر واژه |
| ۴۸ | زمانه فروش وجدان‌هاست |
| ۵۱ | مصلوب |

سرآغاز

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم
محفل تمام گشت و به آخر رسید عمر
ما همچنان در اول وصف تو مانده‌ایم

سرنوشت این گونه رغم خورد که در تابستان ۱۳۴۷ خورشیدی در امتحان ورودی (کنکور) دانشگاه شیراز در رشته زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شدم. آن زمان قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های ایران شکل دیگری داشت، به این معنی که هر دانشگاهی برای خودش امتحان ورودی برگزار می‌کرد و چیزی به نام کنکور سراسری هنوز رسم نشده بود. از نخستین روز مرداد ماه همان سال برای گذراندن کلاس‌های اجباری آموزش زبان انگلیسی دعوت به دانشگاه شدم. طبق مقررات آموزشی این دانشگاه، پیش از شروع

کلاس‌ها، دانشجویان جدید مجبور به گذراندن دوره فشرده آموزش زبان انگلیسی بودند. بدین بهانه قدم به خاک شاعران شیرین سخن و سرزمین بزرگان شعر و ادب و فرهنگ شیراز گذاشتم. از ستارگان درخشان شعر و ادب شیراز، سعدی و حافظ، یاری خواستم و در کنار تربت پاک آنان، به شاگردی آغاز کردم. سال نخست را زیر نظر فرزنانگان ادب پارسی در دانشگاه شیراز، از جمله استادان گرانقدر فریدون توللی (شاعر معاصر)، دکتر علی‌محمد مژده، دکتر مسعود فرزاد (حافظ شناس بزرگ شیرازی)، امین فقیری، دکتر عبدالوهاب نورانی وصال شیرازی، عبدالعلی دستغیب، دکتر منصور اوجی و... گذراندم و در شب‌های شعر انجمن ادبی دانشگاه از سخنان گهربار فریدون مشیری، مهدی اخوان ثالث، رضا براهنی، کیومرث منشی‌زاده و... درس‌ها گرفتم. دفتر شعرم را به دستینه‌ی شریف آنان مزین کردم. همان سال، استاد مسعود فرزاد در حال تصحیح دیوان حافظ بود و این افتخار را به بنده و چند دانشجوی دیگر داد تا در کنار ایشان به بازنویسی یادداشت‌هایشان مفتخر شویم. سال دوم، نه تنها با کتاب‌ها و دیوان شاعران مانوس شدم بلکه به رشته تاریخ تغییر رشته دادم تا به این نیاز درونی خود هم پاسخ گفته باشم. در این مسیر جدید از محضر استاد علی سامی باستان شناس شهیر ایران و دکتر علیرضا شاپور شهبازی بهره‌مند شدم و این فرصتی عالی برای خودشناسی و ریشه‌شناسی فرهنگ ملی بود و یافتن راه آینده در مطالعات دانشگاهی من که در نهایت مرا به هند کشاند و سرانجام به پژوهش در مطالعات تطبیقی هند شناسی و ایران شناسی زیر نظر بزرگانی چون دکتر میشر، دکتر والیمبه، خانم دکتر

گوگله، دکتر انصاری، دکتر دوو، دکتر جوشی، دکتر راجاگورو، دکتر کالجه، خانم دکتر گاته، دکتر داوولیگر، و...انجامید.

در طول آن سال‌ها و بعد از آن (تا این تاریخ) که عشق به شعر و شاعری همچنان نیرو بخش راه من بود، مرا با بزرگان فرزانه‌ی دیگری مانند نیما یوشیج، احمد شاملو، منوچهر آتشی، عبدالجبار کاکایی، نصراله مردانی، دکتر مهدی حمیدی شیرازی، قیصر امین پور، افشین اعلا، هوشنگ ابتهاج، و... آشنا کرد و در کنار پژوهش‌های دانشگاهی، مطالعات ادبی را نیز دنبال کردم. این اثر یادگاری از آن دوران و نیز بعد از فترتی طولانی، تجربه‌ای نو در غزل‌سرایی در دوران بازنشستگی است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

محمد مهدی توسلی

تهران، مهر ماه ۱۴۰۱ خورشیدی